

نگاهی به تصحیح و تحشیه تذکره خزانه عامره

اثر غلامعلی آزاد حسینی واسطی بلغرامی، به کوشش دکتر منصوره تدینی

منصوره تدینی*

چکیده

این مقاله مروری بر کتاب «خزانه عامره» اثر غلامعلی آزاد بلغرامی - از بزرگترین تذکره نویسان هند در قرن دوازدهم هجری - و چگونگی تصحیح و حاشیه‌نویسی بر آن است. تذکره مذکور که حاوی احوال و اشعار ۱۳۵ شاعر صاحب‌صله است، اغلب شاعران بنام ایرانی و هندی پارسی‌گو را در بر دارد. مولف در خلال ذکر احوال و اشعار این شاعران، اغلب در مباحث تاریخی و ادبی و بخصوص نقد ادبی وارد می‌شود. برخی از اطلاعاتی که از خلال سطور این کتاب، در مورد شاعران، افراد و وقایع به دست می‌آید، گاه نادر و منحصر بفرد است. برای تصحیح این کتاب از دو نسخه موجود در کتابخانه‌های ایران، یعنی نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و چاپ سنگی موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی استفاده شده که هر دو نوشته کاتبان هندی هستند. روش تصحیح به صورت التقاطی و با استفاده از کتب متعدد دیگر، از جمله دیوان‌های شاعران، تذکره‌های دیگر و فرهنگ‌های لغت قدیم و جدید انجام شده است. برای استفاده بیشتر خوانندگان واژه‌نامه‌ای در پایان کتاب ترتیب داده شده و نکات و ابیات دشوار و عبارات و ابیات عربی در پی‌نوشت‌های هر بخش شرح داده شده است. فهرست‌های اماکن و اسامی اشخاص در پایان کتاب نیز می‌تواند برای پژوهشگران و علاقمندان فارسی زبان بسیار مفید واقع شود.

واژه های کلیدی: تذکره، نسخه خطی، چاپ سنگی، تصحیح التقاطی، غلامعلی آزاد بلغرامی

تذکره‌ها از مهم‌ترین و اصلی‌ترین منابعی هستند که از گذشته تا کنون، برای روشن کردن زوایای تاریک تاریخ ادبیات ایران به‌کار رفته‌اند، اما با توجه به گستردگی تاریخ ادبیات فارسی و منابع اندکی که تا به حال در این مورد به‌کارگرفته شده و همچنین عدم دقت اغلب منابع موجود، امروزه متوجه شده‌ایم که اطلاعات ما در مورد گذشته ادبیات ایران، در اغلب موارد نارسا و ناقص است. این امر لزوم توجه و بررسی بیشتر منابع موجود و گسترش این منابع را مطرح می‌کند. بخصوص توجه به تذکره‌هایی که در قرون ده تا دوازده هجری و همزمان با پیدایش سبک هندی و توجه اندیشمندان این قرون به مباحث نقد ادبی و تاریخ ادبیات نوشته شدند، کارساز و ضروری به نظر می‌رسد. انبوه کتب موجود در این زمینه، در کتابخانه‌ها و گوشه‌وکنار سرزمین هندوستان به صورت نسخ خطی به حال خود رها شده و در معرض نابودی قرار گرفته‌اند، در حالی که نیاز بسیار به تصحیح و در دسترس قرار گرفتن این آثار است. چه بسا با کمک این تذکره‌ها، ابهامات و نقاط تاریکی در زمینه زندگی، آثار، شیوه نگارش و نگارش بزرگان ادب این سرزمین گشوده و روشن شود.

موانع فراوانی در کار تصحیح نسخ خطی مذکور وجود دارد؛ از جمله دشواری دسترسی به این نسخ و نیز تهیه چند نسخه معتبر از هر یک و همچنین مغلوپ بودن بسیاری از آنها. این امر بخصوص در مورد نسخه‌های موجود در هند، به سبب عدم آشنایی کافی کاتبان با زبان فارسی و عربی، صادق است و امر تصحیح را با مشکلات زیادی مواجه می‌کند، اما همواره توجه به نتیجه کار تحمل دشواری‌ها را آسان خواهد کرد.

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

بحث و بررسی

تذکره حاضر یکی از چند تذکره ارزشمند فارسی است که آزاد بلگرامی، در تاریخ ۱۱۷۷ هجری قمری و بعد از دو تذکره دیگر، با نام‌های «سرو آزاد» و «ید بیضا»، نگاشته است و به گفته مولف «تاریخ تذکره‌های فارسی»، «...از نظر دقت و صحت تراجم (جز در یکی دو مورد) و ذکر حوادث تاریخی زمان و پاره‌یی نظرات انتقادی مولف، از تذکره‌های خوب محسوب است...» (گلچین معانی، ۵۱۳) و در کتاب «احوال و آثار آزاد بلگرامی» نیز به تفصیل در مورد آن بحث شده است. مولف کتاب مذکور در مورد تذکره‌نویسی آزاد این طور می‌گوید:

از مطالعه تذکره‌های آزاد به‌خوبی می‌توان پی برد که او تذکره‌نویسی است دقیق که در ثبت و ضبط سنین تولد و وفات شعرا و وقایع تاریخی یا وقایع مربوط به‌زندگی صاحب ترجمه تمام دقت خود را به‌کار بسته و پس از تحقیق و پژوهش درج کرده است. اطلاعاتی که آزاد در مورد شعرای معاصر ارائه کرده است، از بقیه تذکره‌نویسان معاصر بیشتر است و در انتخاب اشعار نیز، او سرآمد سایر تذکره‌نویسان معاصر است. چون مطالعه آزاد وسیع بود و از نکات ظریف و باریک آگاهی داشت، لذا در تألیف تذکره‌ها از این استعداد خود به‌خوبی استفاده کرده است. در خلال ذکر یک شاعر اگر به‌شعری می‌رسد که در کلام پیشینیان یا شاعران معاصر مضمون مشابهی وجود داشته، یا اشعار آنان هم‌ردیف و هم‌قافیه بوده‌اند، آن را ذکر می‌کند و اگر در کلام شاعری به‌کلمات سنگین، نامأنوس یا به‌اصطلاحاتی از قبیل تلمیح و غیره می‌رسد، آن را نیز معنی می‌کند و بعضی اوقات شرح می‌دهد. اگر پیشینیان یا معاصران آزاد بر ابیات شاعری ایراد گرفته‌اند، آزاد هم نظر خود را درباره‌ی ایراد معترض ابراز داشته است. گاهی خود هم بر اشعار برخی از شعرا انتقاد می‌کند و شباهت مضمون و الفاظ یا سقم شعر را بیان می‌کند. آزاد در تذکره‌های خود همیشه مآخذ و منابع خود را نشان می‌دهد. سبک نگارش آزاد در تذکره‌های او ساده و روان است. البته گاهی از جملات مسجع و از کنایات و استعارات استفاده کرده است... (فطرت، ۳۱۲)

وی در ادامه این‌طور نتیجه‌گیری می‌کند: «به‌طور خلاصه می‌توان گفت آزاد تذکره‌نویسی زبردست و توانا است و بر بیانات وی اعتماد باید کرد، زیرا که او تذکره‌ها را پس از جستجو و تحقیق بسیار در حیطه‌ی تحریر کشیده است و اکثر واقعات را به‌چشم خود دیده یا از نزدیکان شنیده است.» (همان، ۳۱۳) به‌علاوه آزاد از آنجاکه این تذکره را پس از دو تذکره‌ی دیگر خود نگاشته، برخی اشتباهات خود را که بعداً بدان‌ها پی برده، در اینجا اصلاح کرده است. همچنین متعدد بودن منابع وی برای تدوین این تذکره عامل دیگری است که صحت و دقت او را تضمین کرده است.

آزاد در تذکره «خزانة عامره» اشعار، شرح حال و گاه نقدی بر اشعار شاعران صاحب‌صله ایران و هند به‌رشته‌ی سخن کشیده است. او در ترتیب این کتاب، اصل را بر دریافت صله و پاداش بابت سرودن شعر گذاشته است، البته برخی کسان را که فقط یک مورد شعر مدحی سروده، یا فقط یک مورد صله دریافت کرده‌اند و یا برخی شاعران را که اصلاً صله‌ای دریافت نکرده‌اند، مثلاً ثابت‌الله‌آبادی را نیز به‌دلیل خالی نماندن ذیل آن حرف‌الغبا، ذکر کرده است. بیان شرح حال هر شاعر، توأم با ذکر برخی وقایع تاریخی آن زمان و چگونگی دریافت صله و گزیده‌ای از ابیات شاعر، که جابه‌جا همراه با مباحثی در نقد این اشعار

است، به این تذکره لطف و ملاحظت و حال و هوایی سرگرم‌کننده بخشیده است. خود او که با توجه به سایر آثارش می‌توان گفت علاوه بر شاعری، تذکره‌نویسی را به‌عنوان رشته تخصصی خود برگزیده است و در آن تبخّر فراوان دارد، در مورد علت نگارش این تذکره، خواهش برادرزاده خود، میراواد محمد را ذکر می‌کند و درباره برگزیدن شاعران صاحب‌صله، نو بودن این تخصیص و تکراری بودن سایر موارد را دلیل می‌آورد. در این تذکره ترتیب تراجم به‌صورت الفبایی منظم شده و از انوری آغاز و به‌میر محمدیوسف بلگرامی ختم می‌شود.

منابع آزاد در خزانه عامره

آزاد در مقایسه منابع خود با منابع «مجمع‌النفایس» خان آرزو و در توضیح کامل بودن کتاب و منابع خود چنین می‌نویسد:

مآخذ آرزو در احوال سلف، بیشتر تذکره میرزا طاهر نصرآبادی و «عرفات» تذکره تقی اوحدی صفاهانی است که تا حرف القاف به‌دست آرزو آمده و در ترجمه صوفی شیرازی به این معنی تصریح نموده و فقیر عرفات را از حرف الصاد تا حرف الیاء سابق دیده بودم، حالا حاضر نیست. تذکره شیخ محمدعلی حزین صفاهانی، مشتمل بر احوال معاصرین که در سنه خمس و ستین و ماته و الف [۱۱۶۵] به‌تحریر درآمده. «سرو آزاد» تألیف فقیر که در سنه ست و ستین و ماته و الف [۱۱۶۶] علم ظهور برافراخته. «بی‌نظیر» تألیف میرعبدالوهاب دولت‌آبادی که در سنه اثنین و سبعین و ماته و الف [۱۱۷۲] لباس مشکین تحریر پوشیده و همین اسم تاریخ تألیف آن است. «مردم دیده» تألیف شاه عبدالحکیم حاکم لاهوری که در سنه خمس و سبعین و ماته و الف [۱۱۷۵] در اورنگ‌آباد جمع کرده و شعری که ایشان را دیده، به‌قید کتابت آورده و سوای این تذکره‌ها مواد بسیاری از دواوین شعرا و کتب فن تاریخ و غیر آن نصب‌العین است که سیر کتاب به‌عرض ناظران می‌رساند و ایضاً ملتمس می‌شود که جواهر اشعاری که در «خزانه عامره» فراهم آمده، مستعار از این تألیفات نیست، الا قدر قلیل بنا بر ضرورت که اشعار مطلوب از خارج دست به‌هم نداد و احتمال دارد که اشتراک غیرضروری هم واقع شده باشد. این معنی بنا بر کاهل مزاجی است. تا کجا کسی به‌مقابله صحایف پردازد و مشترک را از غیرمشترک جدا سازد. معذور باید داشت و گاه باشد که شعر خوب از شاعری داخل انتخاب فقیر نیست. سببش این که دیگری زده، برده یا این که در

حالت کثرت تصفّح از نظر وامانده یا دیوان شاعر تمام و کمال به دست نیامده. (صفحه آخر مقدمه مؤلف در همین تصحیح).

برخی منابع مورد استفاده او در این کتاب بدین قرار است: لباب الالباب، تذکره دولتشاه، تحفه سامی، خاتمه خلاصه الاشعار، هفت اقلیم، منتخب التواریخ بداونی، مجمع الفضلای ملاقایی، تذکره نصرآبادی، مرآت الخیال، کلمات الشعراء، همیشه بهار، حیات الشعراء، سفینه بیخبر، ریاض الشعراء، مجمع النفایس، تذکره المعاصرین حزین، بی نظیر، سرو آزاد، مردم دیده، عرفات العاشقین تقی اوحدی، همچنین دواوین شاعرانی که نامشان در این تذکره آمده و دواوین و کلیات آثار دیگر شاعران و نویسندگان، فرهنگ‌ها و کتب تاریخی و علمی و ادبی فراوان، از جمله چهارمقاله نظامی عروضی، حدائق السحر رشید و طواط، فرهنگ رشیدی، قاموس اللغه فیروزآبادی، برهان قاطع محمدحسین خلف تبریزی، مزره اللغه سیوطی، تفسیر درّ مشور سیوطی، منتخب اللغات میرعبدالرشیدتوی، تاریخ گزیده حمدالله مستوفی، حبیب السیر خواندمیر، تاریخ طبری، تاریخ فرشته، عالم آرای عباسی، تفسیر بیضاوی، صحاح جوهری و برخی آثار دیگر.

نقد ادبی در خزانه عامره

«آزاد بلگرامی تربیت شده حوزه‌های ادبی هند در اواخر دوره صفویه است که دوره اوج شور و نشاط ادبی در هند بود. امثال سراج‌الدین علی خان آرزو و وارسته سیالکوتی و حزین لاهیجی و واله داغستانی در این زمان در هند مشغول فعالیت‌های ادبی بودند. (شمیسا، غزالان‌الهند، ص ۱۴). و همچنان که می‌دانیم شکل‌گیری سبک هندی در این دوره و لزوم مضمون‌پردازی‌های نو موجب پاگرفتن مباحثی بسیار نزدیک به نقد ادبی و سبک‌شناسی شده بود.

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

آزاد در بخش مربوط به هر شاعر، ابتدا شرح حال کوتاه یا مفصلی از شاعر مورد نظر را می‌آورد و پس از آن شعری را که موجب صله گرفتن شده و نحوه سرودن آن شعر و صله گرفتن شاعر را شرح می‌دهد، از جمله در صله‌ای که برابر وزن یک فیل است، طریقه وزن کردن فیل را هم می‌گوید، که همه اینها نکاتی شیرین و خواندنی است. او به تناسب اشعار دیگری از شاعر را نیز انتخاب و ذکر می‌کند و اغلب در اثنای احوال و اشعار این شاعران مباحثی را مطرح می‌کند که بیشتر جنبه نقد ادبی دارد. او در مورد لغات و معانی آنها و نکات و کاربردهای ادبی و زبانی، همچنین تازگی مضامین یا درست بودن تشبیهات و نکات ادبی بحث‌هایی را مطرح می‌کند. همچنین هر جا که به سخن خود او یا سایر شاعران، در مورد برخی کاربردها

ایراداتی گرفته شده، با ذکر شواهدی صحت یا عدم صحت آن کاربرد را نشان می‌دهد. مثلاً در جواب کسی که اعتراضاتی را بر ابیات خود او وارد کرده است، به نقل از رساله‌ی یکی از شاگردان خود، جواب‌هایی را ذکر می‌کند. در سطور زیر معترض در مورد معنا و کاربرد لفظ «واسوختن» در بیتی از آزاد، که در زیر می‌آید، ایراد گرفته است:

مرا واسوخت چون پروانه آخر حرف گرم او ز خوبان جهان آتش زبانی کرده‌ام پیدا

معترض گوید: واسوختن به معنی سوختن نیامده، بلکه نسوختن آمده. چنانچه ظهوری در دیباچه «خوان خلیل» فرموده که یک بیت سوختن و یک بیت واسوختن نباشد و استاد سراج‌الدین علی خان آرزو فرمود که واسوختن به معنی سوختن نیامده. انتهی کلامه مجیب گوید: واسوختن به معنی بازسوختن، یعنی دوباره سوختن است؛ مثل سوختن زغال؛ چه «وا» به معنی «باز» آمده. شیخ نظامی در ظلم دارا گوید:

ز خلق آن چنان برد پیوند را که سگ وانیند خداوند را

و حاصل معنی واسوختن تمام سوختن است؛ چه در آتش اول قوتی در زغال می‌باشد و در آتش ثانی تمام سوخته، خاکستر می‌گردد. بایندر خان گوید:

گویند داغ سوز که واسوزی از غمش خود را تمام سوختم و وانسوختم

و میرزا صائب می‌فرماید: **نشستین همایش ملی پژوهش‌های ادبی**

واسوختن علاج تب عشق می‌کند این درد را به داغ دوا می‌توان نمود

و در فقره ظهوری واسوختن به معنی ایجابی است و معنی کلامش این که یک بیت سوختن اول و یک بیت سوختن ثانی نباشد. موید این معنی کلام میرزا صائب است که می‌فرماید:

قیاس زور هر می می‌توان کرد از خمار او که از واسوختن گردد عیار سوختن پیدا

و در این بیت واسوختن صریح به معنی سوختن ثانی است. کسی که این شعر در تألیف خود ایراد می‌کند، چه‌طور می‌گوید که واسوختن به معنی نسوختن است و... (کتاب حاضر، ۱۴۵)

همچنان که می‌دانیم اصطلاحات سبک‌شناسی، از جمله کلمه «واسوخت» در آن زمان هنوز به صورت تخصصی و سبکی به کار نمی‌رفته‌اند، ولی بحث‌هایی که در اینجا صورت گرفته، جنبه سبک‌شناسانه قوی دارند. او مطالب فراوان دیگری نیز در زمینه نکات ادبی و یا نو یا کهنه بودن مضامین اشعار مطرح می‌کند و جواب برخی معترضان را می‌دهد که همه خواندنی است. مثلاً سطور زیر، در مورد تشبیه به کار رفته در یک بیت است که مورد اعتراض قرار گرفته:

آزاد نداریم سر شکوه خاری
چون غنچه گل، پاک برآید نفس ما

معرض گوید و حاصل کلامش این که: غنچه را نفس نیست. به جای غنچه گل، نکهت باید گفت. مجیب گوید: میرزا صائب اضافه نفس به غنچه می‌کند و می‌فرماید:

ز جوش گل، نفس غنچه پردگی شده است
فراغ بال در این گلستان میسر نیست
و نیز می‌فرماید:

از جوش زبان، غنچه من تنگ نفس داشت
حیرانی روی تو مرا لال برآورد
و میرزا بیدل غنچه را صاحب نفس به طور عجیب می‌گوید که:

هر طفل غنچه هم سبق درس صبح نیست
هر صاحب نفس به مسیحا نمی‌رسد
ششمین همایش ملی پژوهش‌های ادبی
علما نوشته‌اند که تشبیه برای اثبات مدعا از جمله دلایل است و بر دقت شناسان پوشیده نیست که در بیت ناظم تشبیه قوی است، زیرا که مشبه و مشبه‌به از یک جنس باشد؛ یعنی نفس متکلم و نفس غنچه. و این دخیل‌تر است در اثبات مدعا. اگر نکهت گل گویند، مشبه و مشبه‌به از یک جنس نمی‌ماند و قوت تشبیه فوت می‌شود. (همان، ۱۴۸)

اغلب تذکره‌های نخستین فاقد نظرگاه‌های انتقادی و فقط منحصر به درج شرح حال و اشعار منتخب صاحبان تراجم هستند. آزاد شاید نخستین کسی است که هم از جهت وسعت و دقت در گزینش اشعار و هم از نظر نگاه نقادانه، نسبت به پیشینیان خود برتری یافته است. مولف کتاب «احوال و آثار آزاد بلگرامی» نمونه‌های فراوانی از نگاه نقادانه آزاد را ذکر می‌کند؛ از جمله تغییرات وزن در یک غزل، بحث در مورد کاربردهای کلماتی مثل قالین، خرام کاشتن، لعلگر و گهرساز و یا برخی تشبیهات نامأنوس مورد اعتراض

واقع شده، که در این جا، به سبب اطالۀ کلام از ذکر آنها خودداری شد و علاقمندان می‌توانند با مراجعه به متن کتاب و سایر آثار او این موارد را ملاحظه فرمایند. (فطرت، ۳۳۰-۳۱۴)

به هر روی نویسنده شرح حال آزاد، او را یک منتقد توانا می‌شمرد که در تذکره‌های او نمونه‌های فراوانی از نقد شعر دیده می‌شود و به سبب احاطه‌ای که بر سه زبان و علوم ادبی و سایر دانش‌های روزگار خود دارد، بررسی آثارش می‌تواند در پیش‌برد مطالعات تاریخی سبکی و بلاغی و نقد ادبی بسیار مثمر ثمر واقع شود. وی در این مورد معتقد است: «... وجود شخصیتی مانند آزاد بلغرامی که نه فقط بر زبان‌های عربی و فارسی و سانسکریت تسلط کامل داشت، بلکه از شعر و ادب آن زبان‌ها نیز آگاهی داشت از معجزات بوده است...» (همان، ۳۱۹)

آزاد و ادبیات تطبیقی در خزانه عامره

گاه آزاد به مقایسه‌هایی می‌پردازد که با توجه به آنها می‌توان او را ادیبی دانست که به ادبیات تطبیقی نیز پرداخته است. از آن جمله در تذکره‌های خود گاه اوزان عروضی فارسی، هندی و عربی را با هم تطبیق می‌دهد و بحث‌های مفصلی در مورد اوزان و ارکان عروضی و خوشایندی یا ناخوشایندی آنها در این زبان‌ها دارد. همچنین دربارهٔ ردیف در شعر فارسی و عربی بحث‌هایی می‌کند؛ مثلاً مولف «احوال و آثار آزاد بلغرامی» به نقل از آزاد در «سبحه‌المرجان» این طور می‌نویسد: «شاعران فارسی زبان ردیف را به کار می‌برند... که در زیبایی شعر می‌افزاید و پای دختران اندیشه را به خلخال می‌آراید و موجب تنوع شعر فارسی می‌گردد، ردیف در شعر عربی نیست و اگر کسی به تکلف شعر مردّف عربی بسراید مانند شعر فارسی جلوه نمی‌کند. این ویژگی هیچ علتی جز خصوصیت زبان ندارد.» (فطرت، ۳۱۹) همچنین برخی صنایع ادبی، مثلاً تشبیه یا استخدام را در این سه زبان مقایسه می‌کند. در جای دیگر قابلیت این زبان‌ها را برای نثر مقایسه می‌کند و نتیجه می‌گیرد که زبان عربی برای نثر موزون مناسب است ولی در زبان هندی، به سبب طبیعت این زبان، نثر موزون خوب نمی‌تواند به وجود بیاید.

خزانه عامره و تاریخ هند

گاه در ضمن بیان شرح حال یک شاعر وارد وقایع تاریخی همان زمان و مکان می‌شود و به‌طور مشروحی به شرح برخی از آن وقایع می‌پردازد. از جمله بخش‌های مربوط به شرح حال نواب آصف جاه یا نواب نظام الدوله و... (کتاب حاضر، ۱۲۷-۵۹) که بیانگر برخی وقایع داخلی هندوستان، بخصوص جنوب

هندوستان و قوم مرهته، همزمان با حمله نادرشاه و بعد از آن است و به دنبال آن ماجرای تسخیر بعضی از قلاع مشهور آن زمان و سقوط و غلبه برخی حکومت‌های محلی را می‌نویسد. این مباحث نزدیک به صد صفحه از کتاب را به خود اختصاص می‌دهد و مطالعه آنها برای خواننده خالی از لطف نیست. نکته عجیب و در عین حال متأثرکننده این است که او، خود با این که از مردم هند است، در هنگام شرح حمله و لشکرکشی‌های ایرانیان به آن سرزمین، مردم هند را کافر و مرتد نامیده، از زاویه دید ایرانیان مهاجم و پیروز به قضایا نگاه می‌کند و آنان را به جهت مسلمان بودن بر هم‌میهنان خود برتری می‌دهد و از ادیان و اقوام بومی هند با تحقیر فراوان یاد می‌کند. البته گاه‌به‌گاه نیز این موضع‌گیری را فراموش کرده، از موضع و نگاه واقعی و قلبی خود به قضایا نگاه می‌کند.

ماده تاریخ در خزانه عامره

یکی دیگر از مهارت‌های آزاد، تاریخ‌گویی یا همان سرودن ماده تاریخ است. او «در تولد و وفات شاعران، عالمان و درویشان، در تاریخ ایجاد و احداث بناهای تاریخی و مذهبی و حتی در تاریخ آغاز و انجام تألیفات خود و دیگران ماده تاریخ هایی را از آیه‌های قرآنی، احادیث و عبارات عربی یا در شعر عربی و فارسی به دست آورده و سروده است و اگر همه آنها را جمع‌آوری کنیم به اندازه کتابی خواهد بود.» (فطرت، ۳۳۱) نیاز به توضیح نیست که تا چه حد این ماده‌های تاریخ می‌تواند جهت تکمیل اطلاعات تاریخ ادبیات مفید واقع شود.

تسمین همایش ملی پژوهش‌های ادبی

روحیات آزاد

در مورد روحیات آزاد باید گفت، او در مجموع عارف مسلک بود و همچنان که دیدیم، در اواخر عمر گوشه‌نشینی را انتخاب کرد. گاه در خلال ابیات منتخب او از شاعران مختلف نیز، صدای سرکوبگر و متهم‌کننده «فراخود» (Super ego) به‌طور قوی و رسایی به‌گوش می‌رسد، که در جدال با «من» (Id) حتی «خود» (Ego) را نیز مورد حمله قرار می‌دهد؛ مثلاً از خاقانی، با آن همه خودستایی که گاه و بیگاه دارد، این ابیات را انتخاب کرده است:

چادر مریم ربایم، پرده زهرا درم

شبهت حوا نویسم، تهمت هاجر نهم

چون خروس دانه‌چین زانی شهوت پرورم

چون هما اندک‌خور و کم‌شهوتم دانند و من

گر زمردی دم زخم، ای شیرمردان مشنوید

زان که چون خرگوش، گاهی ماده و گاهی نرم

(متن کتاب، ۲۵۱)

و یا قطعۀ دیگری از تحفۀ العراقین در شکست نفس:

طفلی به هوای زر ز نارنج

می ساخت دو کفۀ تهی سنج

از چوب درمنه در میانه

می کرد عمود در زمانه

دیدم که ترازویی بیاراست

دو کفۀ و شش علاقه شد راست

با باد شدم در آن ترازو

من زین سو، باد بود زان سو

باد ار چه به اصل خشک و تر بود

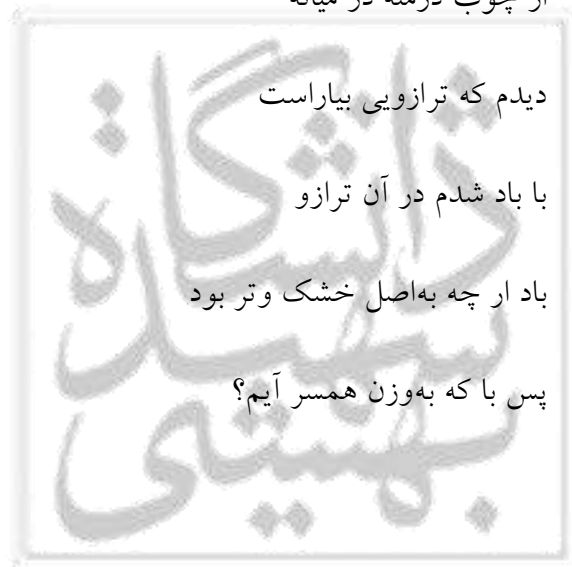
از من به وقار چرب تر بود

پس با که به وزن همسر آیم؟

کز باد به سنگ کمتر آیم

(همان، ۲۵۱)

انجمن علمی زبان ادبی فارسی



و یا این بیت:

تورا چو شمع ز تن هر زمان سیری روید / سری که در دسر آرد، بریدن است سزا

(همان، ۲۵۲).

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

شوخی طبیعی و ظرافت آزاد

گاه سخن او رنگ و بوی طنزی پنهانی و غیرمنتظره به خود می گیرد، از جمله آنجا که شرح حال پرسوز و گداز والہ داغستانی و جدایی سراسر عمری او از معشوق را - که به اجبار به همسری سه تن از حکام و قدرتمندان از جمله نادر شاه درآمده - نقل می کند، ناگهان در پاسخ بیت زیر از والہ اظهار نظری طنزآمیز می کند. بیت والہ در وصف معشوق:

(همان، ۵۵۴)

نشسته به شاخ او تدروی

از گلشن حسن تازه سروی

جواب طنزآمیز آزاد که پیش از این بیت، به تفصیل شرح حال این معشوق و بلایایی را که بر او رفته، نگاشته، این گونه است: «آشیان کردن سه تذرو به شاخ سابق معلوم شد، ننشستن هیچ تذرو به شاخ چه معنی داشته باشد.» (همان، ۵۵۴) و یا هر جا که میچ شاعری را در سرقت ادبی گرفته است، زیرکانه و مودبانه و البته با طنزی پنهان بارها تکرار می‌کند: «پدر توارد بسوزد.» و یا «هی هی توارد دل را می‌گزد.» و به این ترتیب با ظرافت پرده از بسیاری سرقات ادبی برمی‌دارد.

نقاط ضعف خزانه عامره

از مواردی که می‌توان بر او خرده گرفت، به ندرت جدا نکردن غث و سمین در گزینش اشعار شاعران و انتخاب‌هایی که گاه فقط نشانگر عجله یا عدم دسترسی او به دیوان بعضی شاعران است و خود او هم بدان اشاره دارد. نکته دیگر عدم رعایت تناسب در میزان ابیاتی است که از شاعران ذکر می‌کند؛ به عنوان مثال در حالی که از اشعار خود صد و اندی بیت عربی و نزدیک دویست بیت فارسی در یک جا نقل کرده و در لابلای ابیات دیگران نیز به هر مناسبتی باز هم ابیات خود را ذکر می‌کند، در مورد بسیاری از بزرگان ادب فارسی مثلاً رودکی، فردوسی، فرخی، حافظ، سعدی، نظامی و ... فقط به ذکر ابیاتی کم و پراکنده، آن هم نه از بهترین ابیات، و شرح حالی کوتاه اکتفا کرده است و از شاعران کم اهمیت‌تر گاهی شرح حال و ابیات فراوان می‌آورد. استاد شمیسا در مقدمه کتاب غزالان‌الهند در این مورد به ظرافت اشاره کرده‌اند:

«جزو این شاعران از خود هم مکرراً نمونه آورده که هر چند بی لطف نیست اما کاش نمی‌آورد زیرا بار دیگر این مطلب را به اثبات رسانده که المرء مفتونٌ بآبئه و شعره. البته این عادت مذموم نزد قدما مرسوم بوده است.» (ص. ۱۳).

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

وی در نگارش این تذکره خود اندک اشتباهاتی هم دارد که گلچین معانی برخی را ذکر می‌کند: «از موارد اشتباه یکی این است که نسبت اتمام «تعلق نامه» امیر خسرو دهلوی را به حیاتی کاشی داده و می‌نویسد که: «خان آرزو را در حیاتی گیلانی و حیاتی کاشی غلطی واقع شده، از مطالعه مجمع‌النفایس تألیف او واضح می‌شود» (ص ۱۹۲) و حال آن که میرآزاد را غلطی واقع شده است نه خان آرزو را، و بنده نگارنده تفصیل این ماجری را در تذکره میخانه ذیل حیاتی گیلانی (ص ۸۱۰) نوشته‌ام.» (گلچین معانی، ۵۱۳)

نسخه‌های خزانه عامره

مؤلف «تاریخ تذکره‌های فارسی» در پایان مطلب خود در مورد نسخه‌های این کتاب چنین می‌نویسد: «خزانه عامره در کانپور به چند چاپ مغلوط سنگی رسیده است، و این یادداشت را بنده از روی (چاپ ۱۸۷۱) تهیه کرده‌ام که کاغذ آن زرد تیره است و عدد صفحات ۴۶۲، خط نستعلیق با فهرست مندرجات در آغاز.» (همان، ۵۱۴)

لازم به ذکر است که تصحیح این کتاب با استفاده از کپی همین نسخه که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است و میکروفیلم نسخه خطی که در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود و آن هم نگارش هند و بسیار مغلوط است، صورت گرفته است. برخی مشخصات این نسخه‌ها بدین قرار است:

۱. نسخه خطی موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، که با خطی خوش، اما گاه مغلوط نوشته شده و نگارش ۱۲۵۵ هجری قمری در هند است. دارای جلد مخملی و صفحات بسیار نازک و آسیب‌پذیر است. در ابتدای کتاب در سمت چپ و بالای صفحه مطالبی در مورد تاریخ خرید این نسخه برای کتابخانه شخصی به نام معتمدبهدادر خان، به بهای ده روپیه نوشته شده و در صفحه بعد، باز هم در سمت چپ و بالای صفحه، این بار به خط خود کاتب، تاریخ نگارش، نام کاتب و نام سفارش‌دهنده نسخه درج شده است که متأسفانه بخشی از مطالب آن به علت صحافی از بین رفته و داخل شیرازه کتاب شده است. از آن چه که در این نوشته قابل خواندن است، برمی‌آید که به دست یکی از شاگردان آزاد به نام لچهمی ناراین شفیق اورنگ آبادی، در ۲۵ محرم ۱۲۵۵ هجری قمری نگاشته شده است. این نسخه بنا بر قدیمی‌تر بودن، خوش‌خط بودن و دست‌نویس بودن، نسبت به چاپ سنگی وضعیت بهتری دارد، اما کاتب به همان اندازه چاپ سنگی در خواندن و نوشتن کلمات اشتباهاتی داشته و گاه حتی مطالبی را جا انداخته است. میکروفیلم این نسخه حاوی ۵۰۴ عکس دوبرگی است و در ابتدای این کتاب فهرستی الفبایی، همراه با شماره صفحات وجود دارد.

۲. نسخه چاپ سنگی موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، که در کانپور هند در سال ۱۲۸۷ هجری قمری، مطابق با ۱۸۷۱ میلادی به طبع رسیده و بر اساس نوشته‌ای که در پایان کتاب به دست کاتب آن نگاشته شده، نام کاتب محمدتقی علی خان نقی ذکر شده است. ظاهراً این نسخه

همان است که مشخصات آن در «تاریخ تذکره‌های فارسی» به‌عنوان منبع مورد استفاده این طور ذکر شده است: «خزانه عامره در کانپور به‌چند چاپ مغلوط سنگی رسیده است و این یادداشت را بنده از روی (چاپ ۱۸۷۱) تهیه کرده‌ام که کاغذ آن زرد تیره است و عدد صفحات ۴۶۲، خط نستعلیق با فهرست مندرجات در آغاز.» (گلچین معانی، ۵۱۴).

۳. ده‌ها نسخه دیگر از این کتاب در هند و پاکستان و کشورهای دیگر وجود دارد، ولی فقط دو نسخه فوق در دسترس مصحح این کتاب قرار گرفتند.

روش تصحیح و رسم الخط این کتاب

تصحیح این کتاب به‌روش التقاطی انجام شد، یعنی هیچ کدام از دو نسخه اصل قرار نگرفتند و درستی مطلب مورد توجه واقع شد و از آن جا که هر دو نسخه به‌یک اندازه مغلوط بودند، اغلب برای خواندن کلمات، لزوم مراجعه به‌دیوان‌های شاعران و تذکره‌ها و فرهنگ‌های لغات قدیم و جدید و استادان هندی، فارسی و عربی وجود داشت و در این مورد هیچ یک از دو نسخه موجود بر دیگری برتری نداشت، جز این که نسخه خطی خوش‌خط‌تر بود و آسان‌تر مورد استفاده قرار گرفت؛ اما در مواردی ناقص و ناخوانا بود و کاستی‌هایی داشت. مغلوط بودن این نسخ در بخش اشعار و عبارات عربی، بخصوص ابیاتی که از دیوان عربی خود آزاد انتخاب شده بود، بیشتر محسوس بود و کار در این قسمت را بسیار دشوار کرد؛ به‌حدی که اجبار به‌مراجعه مکرر به‌کتب مختلف و استادان ادبیات عرب و همکاران عرب‌زبان وجود داشت و به‌دیوان عربی آزاد که می‌توانست بسیار کارگشا باشد، نیز دسترسی حاصل نشد. با این حال تلاش شد که حتی‌المقدور ابیات به‌درستی مشکول و معنا شوند.

اشکال دیگر در خوانش متن، وجود اسامی فراوان افراد و امکان هندی در متن بود که بخصوص در اوایل کتاب و قسمت‌های مربوط به‌ذکر نواب آصف‌جاه و بعد از آن - که به‌ذکر وقایع تاریخی اختصاص دارد - بیشتر محسوس بود. مراجعه مکرر به‌استادان فارسی‌زبان هندی و پاکستانی و مراجعه به‌فهرست‌های اعلام تذکره‌های موجود فارسی در مورد شاعران هندی نیز تا حدی مشکل‌گشای این بخش از کار شد.

از آن جا که هنگام تصحیح متن معلوم شد که گاهی، دشواری معانی کلمات و اشعار موجب غلط‌نویسی کاتبان شده است، بهتر دیده شد که برای استفاده آسان‌تر خوانندگان واژه‌نامه‌ای نیز در پایان کتاب ترتیب داده شود و همچنین در پی‌نوشت‌های هر فصل نکاتی، از جمله شرح ابیات و عبارات عربی

ذکر شود. در مورد تاریخ‌های داخل متن که همه به‌عربی بودند، جهت خودداری از پی‌نوشت‌های متعدد و شماره‌های فراوانی که باید به‌خارج از متن ارجاع می‌شد، ترجمه همان تاریخ به‌فارسی درون متن و داخل قلاب آورده شد. همچنین تفاوت‌های مهم نسخه‌ها و هر جا که در خوانش کلمات هنوز شکّی وجود داشت، در پی‌نوشت آخر هر بخش آورده شد.

در مورد رسم‌الخطّ این نسخه‌ها، مثل اغلب نسخ خطّی، فاقد نقطه‌گذاری دقیق حروف و یا فاقد سرکش حروف ک و گ بودند و برخی کلمات و حروف اضافه یا ربط یا پیشوندها با کلمات و افعال به‌طور پیوسته نوشته شده بودند، که خوانش متن را بسیار دشوار می‌کرد. همه این موارد، مطابق با آخرین مصوبات فرهنگستان زبان و ادب فارسی اصلاح شد و در نگارش کلمات اصل بر جدانویسی قرار گرفت و جز برخی استثناءهای مصوب فرهنگستان، بقیه کلمات جدا نوشته شدند.

زندگی، آثار و احوال آزاد بلگرامی

در خاتمه در مورد زندگی، آثار و احوال آزاد بلگرامی باید گفت، به‌گفته خود او در ۲۵ صفر روز یکشنبه سال ۱۱۱۶ هجری قمری در قصبه بلگرام از توابع صوبه اوده در پورب هندوستان متولد شد و در سال ۱۲۰۰ هجری قمری، هشتاد و چهار سال زندگی پربار خود را به‌پایان برد. خان آرزو در «مجمع النفایس» در مورد او می‌نویسد: از فرزندان سیدعبدالجلیل بلگرامی و بسیار مورد حرمت اورنگ آباد و دکن است.

نسب او به‌عیسی پسر زید شهید پسر امام زین العابدین (ع) ملقب به‌موتم الاشبال می‌رسد. او خود در

این مورد چنین می‌گوید:

گرچه باشد موتم الاشبال عیسی جدّ من عیسی جان‌بخش شیرانم به‌امداد نفس

معنی موتم الاشبال یتیم‌کننده شیربچه‌هاست، چون اکثر شکار شیر می‌کرد به‌این لقب ملقب گشت و نیز

می‌گویم [آزاد در شرح حال خود در همین کتاب می‌گوید] فرد:

مرا به‌تیغ ستم کشت و گفت از سر ناز چراغ دوده زید شهید روشن شد

آزاد که از سادات بلگرام است، حنفی مذهب و در تصوّف پیرو طریقه چشتی است. او در شهرهای

شاه‌جهان آباد و سیوستان و مکه و مدینه، لغت و حدیث و فنون ادب را نزد پنج استاد آموخت و با شیخی

هم بیعت کرد و اجازه روایت صحاح سته را نیز داشت. جز چند سالی شغل دولتی نداشت و بیشتر عمر را به سفر و آموختن گذراند. آزاد در اواخر عمر در اورنگ آباد دکن گوشه نشین شد. او در آثارش به زندگی خصوصی خود اشاره چندانی نکرده است. (شمیسا، غزالان الهند، ۱۳۸۲، ص. ۶-۱۴، نقل به مضمون).

آزاد روحیه درویشی داشت و به دنبال مدح و مشاغل دولتی نبود. در سال ۱۱۹۵ ه.ق. در روضه (خلدآباد) [نام گورستانی که اورنگ‌زیب و حسن دهلوی و برخی مشاهیر در آنجا مدفون هستند] قطعه زمینی خرید و قبری برای خود در آنجا درست کرد و اسم آن را عاقبت‌خانه گذاشت و برخی شعرا و مشایخ را دعوت کرد و ضیافت بزرگی داد. بعد از صرف غذا با همه مهمانان وداع کرد و گفت: «هذا فراق بینی و بینک» و بعد از آن گوشه عزلت گزید و پنج سال بعد درگذشت. اکنون مزار او زیارتگاه مردم است و مردم کودکان خود را بر سر مزار او می‌برند، تا به شیوه‌ای نمادین، با لبان خود قند از مزار او بردارند، تا صاحب ذوق و علم شوند. (همان، ص. ۱۶، نقل به مضمون).

در اکثر تذکره‌های همزمان و یا بعد از او، چون «مجمع النفایس» و «مردم دیده» و «خلاصه الافکار» در مورد آزاد و اشعار و تألیفات او بحث شده است. شفیق اورنگ آبادی، یکی از شاگردان آزاد، در آثارش با احترام تمام از او یاد کرده و مخصوصاً در تذکره «گل رعنا» شرح حال مفصلی از او آورده است. در منابع در دسترس فارسی، مفصل‌ترین مطلب درباره او در کتاب «تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان» تألیف دکتر سیدعلیرضا نقوی آمده است که به مناسبت چند تذکره او به شرح احوال و آثار او پرداخته است.

در مورد استادان آزاد بلگرامی باید گفت سید عبدالجلیل بلگرامی جدّ مادری او و نیز معلم و استاد او در لغت، سیر نبوی و اشعار فارسی و عربی بوده است. به گفته خودش از پنج استاد تحصیل علم نمود که نخستین معلم او میرطفیل محمد - قدس سره - بود و سرمایه علوم درسی را از او گرفت. عروض و قوافی و برخی فنون ادبی را از خال خود، میرسیدمحمدبن سیدعبدالجلیل استفاده نمود و صحیح بخاری را نزد شیخ محمدحیات سندی در مدینه قرائت کرده، اجازه صحاح سته را از او گرفت. سپس علم حدیث از شیخ عبدالوهاب طنطاوی آموخت و رسم بیعت با سید لطف الله بلگرامی به جا آورد.

آزاد در طول حیات پربار خود شاعران بسیاری تربیت کرد و برخی از این شاگردان آثار ارزشمندی پدید آوردند و در آثار خود با احترام فراوان از او یاد کردند؛ از جمله شفیق اورنگ‌آبادی - که یکی از نسخه‌های مورد استفاده در این تصحیح به خط او است - که در تذکره «گل رعنا» به تفصیل شرح حال آزاد و

آثار او را آورده است، مهربان اورنگ‌آبادی، میراواد محمدذکا بلگرامی، میراواد علی بلگرامی، مولانا عبدالوهاب افتخار دولت‌آبادی، نواب ناصر جنگ، میرمحمد امین و لاله‌روپ نراین ذهین و

از معاصران مشهور آزاد که با او ملاقات هم داشته‌اند، می‌توان حزین لاهیجی را نام برد که در شهر بهکر با او ملاقات کرد و دست نوشته برخی اشعار خود را به رسم یادگار به او داد. همچنین واله داغستانی که در سفر دهلی همراه او بود و آزاد ماجرای عاشقی و ناکامی او را با اندوهی توأم با شوخ طبعی در همین کتاب نقل می‌کند. همچنین خان آرزو که اشعار خود را از طریق پیک با هم رد و بدل کردند، اما از ملاقات آنان با یکدیگر خبری نیست و آرزو در مورد او می‌نویسد: «با فقیر آرزو اخلاص غایبانه دارد.» آزاد با حاکم لاهوری نیز ملاقات داشته و حاکم در تذکره «مردم دیده» می‌گوید که با استاد خود [آزاد] در صحبت شاه آفرین ملاقات کرده است.

از دیگر معاصرانی که آزاد با آنان دوستی و ارتباط داشته، می‌توان این کسان را نام برد: شاه‌آفرین لاهوری، میرمحمد یوسف بلگرامی، میرعظمت‌الله بیخبر بلگرامی، سراج اورنگ‌آبادی، میرزا خان‌الحسینی، فقیر دهلوی، قمرالدین اورنگ‌آبادی، واقف بتالوی و

همچنین از منتقدان آزاد محمد صدیق سخنور عثمانی بلگرامی را می‌توان نام برد که کتاب «تحقیق‌السداد فی مذله‌الآزاد» را در نقد شعر و مطالب او نوشت و مهربان اورنگ‌آبادی، از شاگردان آزاد، هم در رد این انتقادات و دفاع از آزاد کتاب «تأدیب‌الزندیق فی تکذیب‌الصدیق» را نوشت. از دیگر منتقدان آزاد غلامحسین صدیقی بلگرامی است که کتاب «شرایف عثمانی» را در انتقاد از برخی مطالب «سرو آزاد» و «مآثر الکلام» تصنیف کرده است.

ابوطالب خان اصفهانی صاحب «مسیر طالبی» هم در تذکره «خلاصه‌الافکار» خود آزاد را به سبب ندانستن برخی مطالب مسخره کرده است. (همان، ص. ۱۶، نقل به مضمون و تلخیص).

آثار آزاد شامل تذکره‌های او، دیوان اشعار فارسی و عربی، مثنوی‌ها و منظومه‌های او، آثار علمی - ادبی چون سفرنامه، ترجمه و شرح هستند و از مهم‌ترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

دیوان اشعار فارسی، دیوان اشعار عربی، «الذکر و تسلیه الفواد» در قصاید خود و تراجم علما، «سندالسعادات فی حسن خاتمه السادات»، «سبعه سیاره»، چند مثنوی از جمله «سراپای عشق» و

«مظهر البرکات» به عربی، «غزالان الهند» در علوم بلاغی هندوان و معادل های آن در فارسی و مبحثی در زن شناسی، «شجره طیبه» در شرح زندگانی شیوخ بلگرامی، «روضه الاولیا» در شرح حال برخی از عرفا و سه تن از امرا، «مآثر الکرام» در مورد تاریخ بلگرام و ۸۰ صوفی و ۷۰ دانشمند آن جا، «ید بیضا» تذکره یی در شرح حال ۵۳۲ شاعر، «سرو آزاد» تذکره یی در مورد ۱۴۳ شاعر هندی، «خزانه عامره» تذکره یی در شرح حال ۱۳۵ شاعر صاحب صله، «انیس المحققین» در باب زهد و عارفان هند، «سبحه المرجان فی آثار هندوستان» به عربی درباره اخبار و احادیث و آیاتی که در مورد هند و شرح حال برخی علمای هندی و مباحثی در بلاغت هندی و توصیف عاشق و معشوق است، «شفاء العلیل فی اصلاح کلام ابی الطیب متنبی» به عربی، «کشکول» به عربی، «ضوء الدراری» تفسیر صحیح بخاری به عربی. (همان، ص. ۲۰-۱۴)

تسلط آزاد بر سه زبان و بر علوم مختلف

او در خلال مباحث خود، تسلط بر سه زبان فارسی، هندی و عربی و همچنین احاطه بر سایر علوم، از جمله فلسفه، منطق، صرف و نحو، هندسه و ... را به خوبی نشان می دهد؛ مثلاً در اثنای ذکر عالی شیرازی، با آوردن ابیاتی از هجونه او در مورد کامکار خان، به شرح این ابیات می پردازد و با ذکر نکات پیچیده آن در زمینه صرف و نحو، لغت، هندسه، اصطلاحات بازی نرد، فلسفه و حکمت، مباحث جبر و اختیار، صنایع ادبی و ماده تاریخ، نجوم و رمل و اسطرلاب، طب، استشهاد به آیات و احادیث و ... تبخّر خود را در این مباحث نشان می دهد. نمونه هایی از این سطور بدین قرار است و الباقی در صفحات (۴۳۱-۴۲۵) کتاب حاضر مندرج است: «در اصطلاح حکما جنس عالی را مقوله می گویند و مقولات به حسب استقرا منحصر است در عشر که «کم» و «کیف» و «متی» و «این» از آن جمله است. «کم» دو قسم است: متصل و آن مقدار است....» (کتاب حاضر، ۴۲۶) و در جای دیگر: «حلول سریانی چون حلول بیاض در سطح ثوب که در اجزای سطح ساری است و حلول طریانی چون حلول نقطه در خط....» (همان، ۴۲۸) و باز جای دیگر: «... خط مستقیم به اعتبار آن که قائم شود بر خط دیگر و حادث شود در دو جنب آن دو زاویه قائمه و آن را قائم نیز گویند....» (همان، ۴۲۸) و «طالع در اصطلاح منجمین برجی را گویند که از افق مشرق در حالت برآمدن باشد. پس باید شمس در طالع می گفت و سیارات را سوای شمس و قمر سه حالت است: استقامت و رجعت و اقامت. و بودن شمس در طالع وقت و رجعت زهره....» (همان، ۴۲۹) و موارد بسیار دیگر که جهت پیشگیری از اطاله کلام از ذکر آنها در این جا خودداری می شود.

نتیجه گیری

تصحیح این کتاب به روش التقاطی انجام شد و از آن جا که هر دو نسخه به یک اندازه مغلوط بودند، اغلب برای خواندن کلمات، لزوم مراجعه به دیوان‌های شاعران و تذکره‌ها و فرهنگ‌های لغات قدیم و جدید و استادان فارسی، هندی و عربی وجود داشت و در این مورد هیچ یک از دو نسخه موجود بر دیگری برتری نداشت، جز این که نسخه خطی خوش خط‌تر بود و آسان‌تر مورد استفاده قرار گرفت؛ اما در مواردی ناقص و ناخوانا بود و کاستی‌هایی داشت. حتی نسبت به چاپ سنگی، اغلب عباراتی جا افتاده داشت. مغلوط بودن این نسخ در بخش اشعار و عبارات عربی، بخصوص ابیاتی که از دیوان عربی خود آزاد انتخاب شده بود، بیشتر محسوس بود و کار در این قسمت را بسیار دشوار می‌کرد؛ به حدی که اجبار به مراجعه مکرر به فرهنگ‌ها و کتب مختلف و استادان ادبیات عرب وجود داشت و به دیوان عربی آزاد که می‌توانست بسیار کارگشا باشد، نیز دسترسی حاصل نشد. با این همه یاری همکاران عرب‌زبان گروه ادبیات عرب بسیار کارگشا شد.

اشکال دیگر در خوانش متن، وجود اسامی نامأنوس فراوان افراد و امکان هندی در متن بود که بخصوص در اوایل کتاب و قسمت‌های مربوط به ذکر نواب آصف جاه و بعد از آن - که به ذکر وقایع تاریخی هندوستان اختصاص دارد - بیشتر محسوس بود. مراجعه مکرر به استادان فارسی زبان هندی و پاکستانی و مراجعه به فهرست‌های اعلام تذکره‌های موجود فارسی در مورد شاعران هندی، نیز تا حدی مشکل‌گشای این بخش از کار شد.

از آن جا که هنگام تصحیح متن معلوم شد که اغلب، دشواری معانی کلمات و اشعار موجب غلط‌نویسی کاتبان شده است، بهتر دیده شد که برای استفاده آسان‌تر خوانندگان واژه‌نامه‌ای نیز در پایان کتاب ترتیب داده شود و همچنین در پی‌نوشت‌های هر فصل نکاتی، از جمله شرح ابیات و عبارات عربی ذکر شود. در مورد تاریخ‌های داخل متن که همه به عربی بودند، جهت خودداری از پی‌نوشت‌های متعدد و شماره‌های فراوانی که باید به خارج از متن ارجاع می‌شد، ترجمه همان تاریخ به فارسی درون متن و داخل قلاب آورده شد.

منابع

آزادبلگرامی، محمدعلی. خزانه عامره. نسخه خطی موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نگارش ۱۲۵۵ هجری قمری.

چاپ سنگی موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی،
۱۸۷۱ میلادی (مطابق با ۱۲۸۷ هجری قمری).

متن تصحیح شده به کوشش نگارنده مقاله، در دست چاپ، نشر
میترا.

باقر، محمد. تذکره مخزن الغرائب: شیخ احمدعلی خان هاشمی سندیلوی. اسلام آباد: منزا پرننگ
کارپوریشن، ۱۳۷۲.

مدارالافاضل: الله داد فیضی سرهندی ابن اسدالعلما عیشیر سرهندی. لاهور: انتشارات دانشگاه
پنجاب، ۱۳۴۵.

حسنی، حمید. تذکره مرآة الخيال: شیر علی خان لودی. تهران: انتشارات روزنه، ۱۳۷۷.
رستگارفسائی، منصور. تذکره دلگشا: حاج علی اکبر نواب شیرازی (بسمل). شیراز: انتشارات نوید شیراز،
۱۳۷۱.

شمیسا، شیروس. جواب شافی: رساله بی در نقد ادبی. تألیف وارسته سیالکوٹی. تهران: دانشگاه علامه
طباطبایی، ۱۳۸۳.

غزالان الہند. تهران: صدای معاصر، چاپ اول، ۱۳۸۲.

فطرت، حسن عباس. احوال و آثار آزاد بلگرامی. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشاریزدی، ۱۳۸۴.

گلچین معانی، احمد. تاریخ تذکره های فارسی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۸.

تذکره میخانه: ملا عبدالنبی فخرالزمانی قزوینی. تهران: اقبال، ۱۳۶۳.

کاروان هند. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، شرکت به نشر، ۱۳۶۹.